

خلاقیت، کارآفرینی، تحول در سازمان

تألیف:

دکتر امیرحسین امیرخانی

(دانشیار دانشگاه پیام نور)

مهندس فائزه احمدی

(مدرس دانشگاه)

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
شناسه افزوده
شماره کتابشناسی ملی

:امیرخانی، امیرحسین، ۱۳۳۹ -
:خلاقیت، کارافرینی، تحول در سازمان
:تهران: پرنیان، ۱۳۹۴.
:۳۱۷ ص.
۹۷۸-۹۶۴-۶۷۱۲-۴۹-۲ :
:فیپای مختصر
:فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir>
قابل دسترسی است
:احمدی، فائزه، ۱۳۶۳ -
:۳۸۴۴۹۳۰ :

عنوان : خلاقیت، کارافرینی، تحول در سازمان
مؤلفین : دکتر امیر حسین امیرخانی (دانشیار دانشگاه پیام نور) ، فائزه احمدی (مدرس
دانشگاه)
نوبت چاپ : اول ۱۳۹۴
قطع : وزیری
تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۱۲-۴۹-۲
قیمت : ۲۰۰۰۰ تومان

در دنیای در حال تحول امروز، کامیابی از آن جوامع و سازمانهایی است که بین منابع کمیاب و قابلیت‌های مدیریتی و کارآفرینی منابع انسانی خود رابطه معنی داری برقرار سازند. به عبارتی دیگر جامعه و سازمانی می‌تواند در مسیر توسعه، حرکت رو به جلو و با شتابی داشته باشد که با ایجاد بسترهای لازم منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی مولد تجهیز کند تا آنها با استفاده از این توانمندسازی ارزشمند، سایر منابع جامعه و سازمان را به سوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه، مدیریت و هدایت کنند.

امروزه که کار و فعالیت شکل تازه‌ای به خود گرفته است و به سوی خودکارفرمایی و خود اشتغالی در حرکت است کارآفرینی و کارآفرینان نقش کلیدی در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف ایفا می‌کنند. تجارب کشورهایمانند ژاپن، کره جنوبی، مالزی و هند آکنده از فعالیتهای چشمگیر کارآفرینانه‌ای بوده است که امروز به توسعه یافتگی کشور خود می‌بالند. باید توجه داشت که کارآفرینان تنها به ایجاد فرصتهای شغلی جدید نمی‌پردازند بلکه با ساختار، تفکر، تحرک و فرهنگ لازم دست به تخریب خلاق می‌زنند تا از دل ویرانه‌های کهن، آبادانی و پیشرفت را برافرازند.

در کنار این، امروزه نیروی انسانی به عنوان یک منبع نامحدود و محور هر نوع توسعه‌ای مطرح می‌باشد. از این رو کارآفرینی به طور کلی و کارآفرینان به طور خاص دارای نقش موثرتری در فرآیند توسعه اقتصادی می‌باشند. تحقیقات نشان داده که بین رشد اقتصادی و تعداد کارآفرینان در یک کشور همبستگی مثبت وجود دارد. زیرا کشوری که دارای تعداد زیادی کارآفرین باشد از محرکهای تجاری و اقتصادی قویتری

برخوردار است. با توجه به نقش و اهمیت کارآفرینی و سابقه درخشان کارآفرینان در توسعه بسیاری از کشورها و با توجه به مشکلات اقتصادی زیادی که در دنیای امروز با آن مواجه هستیم و دست یاری به هر سویی دراز می کنیم، ترویج و اشاعه مفهوم کارآفرینی سازمانی، بسترسازی برای فرهنگ حامی کارآفرینی و مهمتر از همه تربیت افراد کارآفرین برای تمامی جوامع — خصوص برای جوامع در حال توسعه همانند ایران از اهمیت و ضرورت حیاتی برخوردار است. امید است کتاب حاضر بتواند گام کوچکی در جهت اهداف والای سازمانها داشته باشد.

امیرحسین امیرخانی - فائزه احمدی

فهرست مطالب

۴	مقدمه
۹	فصل اول: کارآفرینی
۱۰	تاریخچه کارآفرینی
۱۱	تعریف کارآفرینی
۱۸	سیر تطور کارآفرینی در سازمان
۲۲	کارآفرین کیست؟
۲۵	انواع کارآفرینی
۲۷	فصل دوم: خلاقیت
۲۸	خلاقیت جوهره کارآفرینی
۳۱	تعاریف مختلف خلاقیت
۳۳	تفاوت خلاقیت و نوآوری
۳۸	روش های مختلف خلاقیت
۴۰	اصول بنیادی و حقایق در مورد خلاقیت
۴۲	نظریه های خلاقیت

۵۰	تفکر خلاق
۵۴	مراحل تفکر خلاق
۶۴	تکنیک های خلاقیت
۷۶	راه های عمده محرک خلاقیت
۸۱	شرایط تقویت کننده خلاقیت
۹۸	شرایط محدود کننده خلاقیت
۱۰۰	موانع خلاقیت
۱۱۸	بعضی عوامل موثر بر خلاقیت
۱۲۰	تاثیر عوامل خاص بر خلاقیت
۱۳۰	نقش دانش و تحصیلات در بروز خلاقیت
۱۳۹	ویژگی شخصیتی افراد خلاق
۱۴۳	توصیه هایی برای خلاقیت
۱۴۶	کارگروهی در سازمان کارآفرین

۱۵۳	فصل سوم: کارآفرینی سازمانی
۱۶۹	استقرار کارآفرینی سازمانی در سازمان
۱۷۳	مدلهای کارآفرینی سازمانی
۱۷۸	استراتژی های کارآفرینی سازمانی
۱۸۵	موانع سازمان کارآفرین
۱۸۶	ابعاد ساختاری سازمانهای کارآفرین
۱۹۶	ابعاد محتوایی سازمانهای کارآفرین
۲۰۸	مقایسه سازمان کارآفرینی و غیر کارآفرین
۲۱۸	مهمترین علل پیدایش کارآفرین سازمانی
۲۲۲	موانع ساختاری کارآفرینی سازمانی
۲۲۷	بررسی کارآفرینی زنان
۲۳۷	دیدگاه اقتصادی کارآفرینی
۲۴۰	دیدگاه مدیریتی کارآفرینی
۱۵۳	ویژگی کارآفرینان
۲۶۰	منابع

واژه کارآفرینی واژه ای است نو که از لغت آن نمی توان با مفهوم واقعی آن پی برد. این واژه بجای کلمه *ENTREPRENEUTSHIP* به کار رفته و در اصل از زبان فرانسه به سایر زبانها انتقال یافته است به طوری که در زبان فارسی هنوز معادل مناسب و گویایی برای آن وجود ندارد و اغلب واژه کارآفرینی، شنونده را به اشتباه می اندازد. بطور کلی کارآفرینی از ابتدای خلقت همزاد بشر بوده و مبنای تمام تحولات و پیشرفتهای وی بشمار می رود. با این همه هنوز مفهوم و ماهیت دقیق این واژه ناشناخته مانده است (رضاییان، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

با این وجود می توان گفت، اصطلاح کارآفرینی در معنا و مفهوم فعلی، اولین بار «ژوزف شومپیتر» به کار برد. این اقتصاددان اتریشی که او را پدر علم کارآفرینی نیز می نامند، بر این باور بود که رشد و توسعه اقتصادی در یک نظام، زمانی میسر خواهد بود که افرادی در میان دیگر آحاد جامعه با خطرپذیری به نوآوری دست بزنند و با این کار، روش ها و راه حل های جدید و کارآمد را جایگزین راهکارهای ناکارآمد و غیر کارای قبلی کنند. در مورد تعریف کارآفرینی، صاحب نظران دیدگاههای مختلفی دارند که در زیر به تعدادی از آنها پرداخته و در ادامه تعاریف بیشتری مطرح خواهد شد.

- ریچارد اسکات^۱ در سال ۱۹۸۲ بیان کرد که " فکر می کردیم بعضی چیزها را در مورد کارآفرینی می دانیم اما واقعا نمی دانیم " و این در حالیهست که وی

بیان می دارد که علی رغم اهمیت کارآفرینی، فرآیند کارآفرینی کمتر شناخته شده است.

• شومپتر^۲ (۱۹۳۵-۱۹۳۴) در مورد کارآفرینی این گونه اظهار نظر می کند که سختی تشخیص کارآفرینان به دلیل بی دقتی در فعالیتهای آنان نیست بلکه به این دلیل است که اولاً شخصی که واقعا درگیر کارهای کارآفرینانه می شوند سخت پیدا می شوند، ثانياً هیچ یک همواره کارآفرین نیستند و ثالثاً هیچ یک فقط کارآفرین نیستند.

همچنین شومپتر، کارآفرینی را به عنوان نیروی برهم زننده اقتصاد به کار برد و آن را با عنوان «تخریب خلاق» یا «خلاقیت ویرانگر» نامگذاری کرد (سعیدی کیا، ۱۳۸۷، ص ۴۳). شاید وجه تسمیه این عنصر فعال در آفرینش و بازآفرینی روشها و نظامها پس از تحول شکلی یا محتوایی آنها باشد که با فروپاشی و برهم زدن نظامهای ناکارآمد، سعی در چیش و بازآفرینی خلاقانه و مبتکرانه آنها به روش صحیح و کارآمد می کند.

کارآفرینی از نگاه شومپتر دارای سه ویژگی اساسی است:

۱. کارآفرینی قابل درک است، اما نمی توان با به کار بردن قوانین معمولی و تحلیل حقایق موجود و سطحی آن را به نحوی موفقیت آمیز پیش بینی کرد.

۲. کارآفرینی رویدادها و نتایج بلندمدت را شکل می دهد و برای اینکه موقعیتهای مناسبی خلق کند، شرایط اقتصادی و اجتماعی فعلی را تغییر می دهد.

۳. کثرت و تکرار وقوعی رویدادهای کارآفرینانه به کیفیت نسبی نیروها، تصمیمات راهبردی، اقدامات و الگوهای رفتاری بستگی مستقیم دارد
۴. (سعیدی کیا، ۱۳۸۷، ص ۸۱).

• مک کله لند^۳ (۱۹۶۱) معتقد است اگر بخواهیم تمام محدوده زندگی بشر را بررسی کنیم، تعریف کارآفرینی مشکل می شود و کارآفرینی همه فعالیت های بشر را در بر می گیرد. بطوری که با تعریف آزاد از کارآفرینی، هر فردی کارآفرین شناخته می شود (گیفورد و دیگران، ۲۰۰۷، ص ۵۴). لذا فقط متمرکز بر فعالیتهای کسب و کار می شویم که بیشتر درک می شوند. اگر چه در همین دایره نیز جوانب و انواع مختلف آن مثل خرید، فروش، تولید و ... کم و بیش مترادف و یکسان در نظر گرفته می شوند (کولتر، ۲۰۰۵، ص ۷۰).

• پیتر دراگر^۴ در سال ۱۹۸۶ در مورد کارآفرینی می گوید: "در تعریف کارآفرینی آشفتگی زیادی وجود دارد؛ اشخاص زیادی را می شناسیم که کارآفرین نیستند اما شخصیت کارآفرینانه ای دارند مانند بسیاری از فروشندگان، جراحان، روزنامه نگاران و ... " (دراگر، ۱۳۷۸، ص ۴۴).

همچنین او معتقد است کارآفرین کسی است که فعالیت سودآور کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می کند، ارزشها را تغییر می دهد و ماهیت آن را متحول می سازد و در آینده ای نه چندان دور، کسب و کاری شایسته را بنیان می نهد (دراگر، ۱۳۷۸، ص ۲۱). با توجه به توضیحات فوق تعدادی از مهمترین تعاریف بطور مختصر در زیر آمده است.

۳ - McClelland C.D

۴ - Peter F. Drucker

- فرآیند ایجاد ثروت، خلق فرصت، نوآوری و خلاقیت (تفکر خلاق).
- فرآیند هدایت به سوی "خلق سازمانهای جدید" بدون توجه به نوع پتانسیل سازمان و محدودیتهای محیطی.
- وظایف، فعالیتهای و اعمالی که برای خلق فرصتهای جدید انجام می شود تا سازمانهای جدید بوجود آیند.
- کارآفرینی فرآیندی است فراتر از شغل و حرفه و یک شیوه زندگی است (دراکر، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

بطور کلی کارآفرینی در سه زمینه تعریف شده است:

۱. کارآفرینی درون سازمانی (کارآفرین سازمانی).
 ۲. کارآفرینی سازمانی (سازمان کارآفرین).
 ۳. کارآفرینی مستقل (کارآفرین آزاد) (وارث، ۱۳۷۸، ص ۴۰).
- مک کله لند، تعریفی گسترده تر از کارآفرینی ارائه می کند و فرایند کارآفرینی را فراتر از کسب و کار بلکه به یک شیوه و منش زندگی تعبیر می کند. به گونه ای که خلاقیت و نوآوری، عشق به کار و تلاش دائمی، پویایی، خطرپذیری، آینده نگری، خلق ارزش، آرمان گرایی، فرصت شناسی، نیاز به پیشرفت و مثبت اندیشی را زیربنا و اساس زندگی افراد کارآفرین می پندارد. در این روش زندگی، شکست مفهومی جز تجربه نزدیک شدن به موفقیت ندارد، شکست پله ای برای بالا رفتن است، دستاوردی برای آموختن، تصور هر چند ناقصی از آرمان موفقیت و واقعه ای که هنوز فواید آن به سود تبدیل نشده است، تعبیر می شود. در این منش، پول انگیزه اصلی و اولیه فعالیت های اقتصادی نیست بلکه معیاری برای سنجش میزان موفقیت فرد محسوب می شود. در زندگی کارآفرینانه، هدف

اصلی از کسب و کار و فعالیت، ارضای حس کنجکاوی، تحقق بخشیدن به آرمان‌ها، آزادسازی انرژی‌های ذهنی و تبدیل آنها به ایده‌های عملی و در نهایت خلق ارزش است و همه چیز تحت‌الشعاع آرمان و هدف آرمانی شخص قرار می‌گیرد (کولتر، ۲۰۰۵، ص ۶۰).

گرچه برای افراد کارآفرین اکتفا به این حد نیز دور از ذهن است و دائماً همچون چشمه‌ای جوشان، حرکت و نوآوری را جزو ویژگی‌های اصلی خود قرار می‌دهند، اما برخی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین ویژگی‌های افراد کارآفرین را می‌توان به این شرح بیان کرد:

- خودآشنایی و اعتماد به نفس (از نوع خلاق و رهبرمآبانه).
- پشتکار و استقامت بسیار در مسیر نیل به هدف.
- احساس نیاز درونی به کسب موفقیت و پیشرفت دائمی.
- نهایت استفاده از امکانات و منابع.
- کشف فرصت‌ها و توانایی بهره‌بری از فرصت‌های آشکار و پنهان.
- ریسک‌پذیری، قبول خطر و تحمل پذیرش شکست.
- دارای اهداف آرمانی و روشن و البته فراتر از سطح اهداف عرفی (مقیمی، ۱۳۸۳، ص ۳۴).